

تعلیم و تربیت در ایران باستان

این نیرو، نیرویی ایزدی است و مستقل از بدن و جسم و آن را آغاز و انجامی نیست.

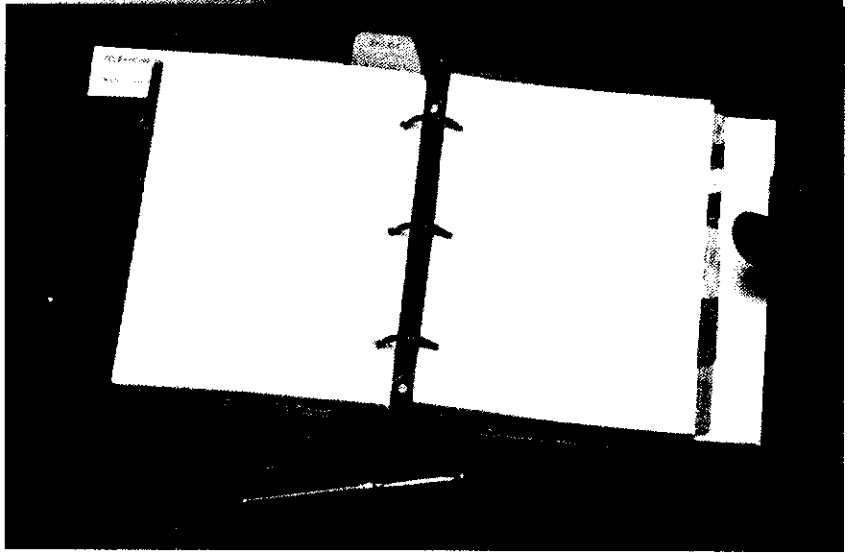
این قوه را آفریدگار در باطن انسان به ودیعه گذاشته تا همواره او را از نیکی و بدی عملش آگاه گرداند.

سومین نیرو یعنی قوه دراکه و فهم انسانی، موظف است که حافظه و هوش و قوه ممیزه را اداره کند تا آن که هر یک وظیفه خود را بجای آورده و بدن را خدمت کنند.

چهارمین نیرو، مسؤل اعمال انسانی است. چون انتخاب خوب و بد با اوست ناگزیر کردار نیک و زشت از او بازخواست خواهد شد.

فروهر، پنجمین نیرو، یکی از قوای باطنی انسان است که پیش از به دنیا آمدن او وجود داشته و پس از مرگ دوباره به عالم بالا از همانجایی که فرود آمده، صعود کرده و پایدار می‌ماند.

با شناخت و آگاهی از این نیروها و سعادت و شقاوت آن‌ها، بهترین کار برای انسان، نجات این نیروها و سعادت آن‌هاست. پس بهترین عمل مطابق با راستی و درستی است زیرا تنها در این صورت است که می‌توان در این جهان‌شاد و در آن جهان رستگار شد. از آنجا که پس از مرگ



مخصوص مردمان پاک و نیکوکار و پارسا است و از آنان حمایت می‌کند. مجرمین و گناهکاران فروهر ندارند. جان اولین نیرو، بدن انسان را محافظت می‌کند و اعمال آن را به نظم می‌آورد. این قوه با بدن هستی می‌یابد و با آن نیز نابود می‌گردد. این، دومین نیرو، نیروی وجدان و حس روحانی و ایزدی انسان است.

ادامه از شماره قبل

به هر ترتیب، تربیت راستی که اساس آن بر راست‌گویی و راست‌کرداری استوار بود، سر لوحه‌ی آموزش و تربیت از آغاز کودکی به شمار می‌رفت. داریوش کبیر در کتیبه‌ی بیستون می‌گوید: ای کسی که بعدها شاه خواهی شد، از دروغ بپرهیز. اگر ترا نیز آرزوی آن باشد که کشور من پایدار بماند هر کس که دروغ گفت او را به سزای سخت برسان. هرودت نیز گوید: «پادشاهان ایران با تمام نیرو ضد دروغ‌گویان بودند و برای این گناه مجازات سخت تعیین کرده بودند».

حال که پایه‌ی تعلیم اخلاقی ایران باستان بر اساس راستی و درستی بود، برای رعایت اصول اخلاقی بایستی معرفت و شناخت به وجود می‌آمد.

«همه‌ی اندیشه و گفتار و کردار نیک نتیجه‌ی آگاهی از علم و معرفت است و همه‌ی اندیشه و گفتار زشت نتیجه نادانی است»^۲

انسان در آغاز باید نیروهای خود را بشناسد. در یسنا، های ۲۶، فقره ۴، از نیروهای انسان سخن گفته شده است. آن‌ها عبارتند از: اهو ahu یا جان، دثنا daena یا دین، بئوده Baodha (بوی) یا قوه دراکه و فهم انسانی، اورون urvan یا قوه مسؤل اعمال انسانی، فروشی یا فروهر Fravahr که



پندار زشت و گفتار زشت از نادانی برمی‌خیزد و گفتار و کردار خوب از آگاهی

فروتنی و محبت به دیگران ویژه‌گی امشا سپندان است.

گماشته شده است از این رو فرشته‌ی فروغ و روشنایی است تا هیچ چیز از او پوشیده نماند و در سراسر جهان آنچه از راست و دروغ می‌گذرد و عهدی که بسته و شکسته می‌شود، همه نزد او پیدا و آشکار باشد. برای این که مهر از عهده خدمت پاسبانی و نگهبانی بر عهدها و پیمان‌ها برآید اهورا مزدا به او ده هزار گوش و ده هزار چشم داده است. «مهر را می‌ستاییم کسی که دارای دشت‌های فراخ است. کسی که از کلام راستین آگاه است. زبان‌آوری که دارای هزار گوش است. کسی که هیچکس به او دروغ نتواند گفت. نه بزرگ خانواده، نه بزرگ ده، نه رئیس

آن‌ها فروتنی است. سپندار مذیا سپنتا آرمئیتی *sepanta Armaity* در عالم معنوی، مظهر محبت و بردباری و تواضع اهورامزداست. «در جهان جسمانی سپندار مز، فرشته‌ای است شکیبیا و مظهر وفا و اطاعت و صع،

اعمال آدمی مجسم می‌شود و در جهان برین زندگی جاوید خواهد یافت و در آن‌جاست که معذب و یا شادمان خواهد بود؛ لذا، او را متوجه دقت بر معرفت نفس و نیروهای خود نموده و در اعمال خود تجدید نظر کرده، آن‌ها را با سنجش و دقت بیشتری انجام خواهد داد. بنابراین، تمام کوشش او در جهت راستی خواهد بود: «و هومن (بهمن) از زرتشت پاک پرسید: ای اسپیتمان زرتشت، آمال و آرزوی تو چیست و از برای چه می‌کوشی؟ زرتشت پاسخ داد: یگانه آرزوی من بخشش و راستی و درستی است. کوشش و کار من برای راستی و درستی است. آرزویی که من می‌خواهم بر آورده شود، انتشار راستی و درستی است»^۲ بدین گونه متوجه می‌شویم که ایرانیان باستان، انسان و جهان، دنیا و آخرت را با همه پیچیده‌گی‌های آن در نظر گرفته، مطابق با آن‌ها اعمال و دستوراتی برای انسان معین کردند.

تواضع و فروتنی

امشاسپندان مظاهر و صفات اهورامزدا هستند و انسان بایستی به این صفات آراسته گردد. از جمله

دارپوشش کبیر در کتیبه‌ی بی‌ستون:
«ای کسی که بعدها شاه خواهی
شده از دروغ پرهیز!»

ناحیه، نه شهریار ایالت»^۳ «کسی که به مهر دروغ بگوید و پیمان شکند، مهر از او انتقام می‌گیرد»^۴ «عهدی که بسته می‌شود، هر که باشد، خواه با یک مزدیستا، خواه با یک ریویستا، درست و قابل احترام است و نباید شکسته شود»^۵ «ای زرتشت» پیمان شکننده سراسر مملکت را ویران می‌سازد. ای زرتشت تو نباید هرگز پیمان شکنی»^۶

انسان باید محبت، فروتنی، وفا و بردباری سپندار مذ را مظهر و الگوی خود قرار دهد»^۷

وفای به عهد و پیمان

در آغاز یشت دهم و در فقره ده، در همان جایی که در واقع مهر یشت آغاز می‌شود، اهورامزدا به زرتشت می‌گوید: من مهر را مانند خود شایسته‌ی ستایش و سزاوار نیایش آفریدم. مهر برای محافظت عهد و میثاق مردم

اطاعت

لازمه‌ی روحیه‌ی اطاعت و فرمان‌برداری، تسلط بر نفس است. برای این کار لازم بود که بر خشم مسلط بود و به سختی و خویشتن‌داری عادت کرد: «خشم باید بر انداخته شود، ستم از خود دور کنید ای کسانی که خواهید پاداش منش نیک به شما راست آید»^۸

در عالم معنوی، سروش فرشته‌ی اطاعت و فرمان‌برداری می‌باشد و از او نباید غفلت کرد: «ای سروش، ای فرشته‌ی اطاعت و بردباری ما را پناه ده تا در مقابل حملات دیو خشم و کین استوار بایستیم»^۹

مفهوم مذهبی سروش متضمن تعلیم اطاعت و خودداری و سبب صفات دیگر



سروش هستند ستایش شده است: «ما می‌ستاییم آن خانه‌هایی را که در حمایت سروش، فرشته‌ی اطاعت و فرمانبرداری است. ما می‌ستاییم آن خانه‌هایی را که فرشته‌ی اطاعت و تواضع در آن پذیرفته شده و مرد پاک دین با پندار و گفتار و کردار نیک در آن بسر می‌برد».^{۱۵}

عدالت

در ایران باستان آموزش عدالت و دادرسی یکی از مواد عمده تربیت جوانان بود. سابقه‌ی این کمال مطلوب تربیتی مفهوم اوستایی آن یعنی «رشنو» rashnu است به معنی روح عدالت. صفات آن نیز به قرار زیر است: مقدس، عادل، دانا، باریک بین، تمیز دهنده، پیش بین راه و دور اندیش.

در اوستا فرشته‌ی عدالت ستایش می‌شود: «... رشن راست‌ترین را می‌ستاییم».^{۱۶} در رشن یشت از عدل و انصاف سخن رفته است. «در فقرات این یشت، هفت کشور روی زمین، از قله‌ی کوه‌ها تا دریاها، از آسمان و ماه و خورشید و ستاره‌گان و فضای فروغ بی‌پایان و عرش اعظم و در هر جایی که رشن یعنی عدالت باشد، ستایش شده است».^{۱۷} به پادشاهان نیز رعایت عدالت تعلیم و یادآوری می‌شد:

چنان باش در پادشاهی و داد که هر کس به نیکی کند از تو یار.^{۱۸}
پانویشت‌ها:

- ۱- هرودوت، کتاب سوم، ص ۳۸
- ۲- یشت‌ها، ص ۱۷۹
- ۳- دینکرو، باب ۱۰۱
- ۴- یشت‌ها، ص ۹۴
- ۵- یشت‌ها، ج اول، ص ۴۳
- ۶- مهر یشت، کرده ۵، فقره ۱۸
- ۷- وندیداد، مزگرد ۴، فقره
- ۸- مهریشت، کرده ۱، فقره ۲
- ۹- یسنا، های ۶۳، فقره ۷
- ۱۰- یسنا، های ۵۷، فقره ۲۵
- ۱۱- یسنا، های ۵۷، فقره ۱۵
- ۱۲- سروش یشت، ها دخت، کرده ۴، فقره ۱۵
- ۱۳- وندیداد، مزگرد ۱۸، فقره ۱۵
- ۱۴- یشت‌ها، صفحه ۵۱۷
- ۱۵- سروش یشت، ها رخت، کرده ۵
- ۱۶- یسنا، های ۱۶، فقره ۵
- ۱۷- یشت‌ها، ص ۲۲
- ۱۸- شاهنامه، ص ۷۲



هرودوت مورخ بزرگ یونان: «پادشاهان ایران با تمام نیرو ضد دروغ‌گویان بودند و برای این گناه مجازات سختی تعیین شده بود»

زودخیزی و سرگرمی به شغل روزانه است. اطاعت ضد در بی نظمی است زیرا که آیین زرتشت، خواستار آراستگی در زندگی می‌باشد. «سروش از طلوع فجر چالاکی آورنده است».^{۱۹} «صفت تنومنتر به سروش نسبت داده شده است که معنی آن «تن فرمان» می‌باشد یعنی کسی که با دل و جان فرمان‌بردار است».^{۲۰} در اوستا از کسانی که مطیع

است. «کسی که پاسبان و نگهبان است از برای پیشرفت سراسر گیتی».^{۲۱} سروش روح اطاعت است. اطاعت ضد در خشم شدید است. سروش، کسی که اهورا مزدای پاک او را در هم شکننده‌ی دیو خشم، دارنده‌ی سلاح خونین قرار داد...».^{۲۲}

اطاعت ضد در تنبلی است که خاصه صبحگاهان آدمی را به خوب ترغیب می‌کند. اطاعت به قانون مستلزم

